یادداشت

چگونه اقتصاد به سلاح تبدیل شد؟

جایگاه ایران در نبرد تحریم‌ها و امپراتوری زیرزمینی

محسن شریف‌خدائی، تحلیلگر روابط بین‌الملل: استفاده از اقتصاد به عنوان ابزار قدرت، پدیده‌ای تازه نیست. در گذشته‌های دور، امپراتوری‌ها از کنترل مسیرهای تجاری، اعمال تعرفه‌های سنگین یا محروم‌سازی اقتصادی برای تضعیف رقبای خود بهره می‌بردند. یونان باستان، روم و بعدها قدرت‌های استعماری اروپایی، همگی از ابزارهای اقتصادی برای تحمیل اراده سیاسی خود استفاده می‌کردند. اما آنچه در نیمه دوم قرن بیستم و با شدت بیشتر از اوایل قرن بیست‌ویکم رخ داده، تحول این ابزار سنتی به یک سلاح ژئوپلیتیکی مدرن، پیچیده و جهانی است. در دوران جدید، به‌ویژه از زمان ریاست‌جمهوری هری ترومن بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا تا امروز، اقتصاد نه‌تنها به موتور رشد کشورها تبدیل شده، بلکه به ابزاری برای اعمال فشار، مجازات و شکل‌دهی به نظم جهانی بدل شده است. ایالات متحده، با بهره‌گیری از تحریم‌ها، کنترل فناوری و سلطه بر زیرساخت‌های مالی بین‌المللی، اقتصاد را به سلاحی راهبردی تبدیل کرده که پیامدهای آن فراتر از مرزهای سیاسی و نظامی است. در سال ۱۹۴۷، رئیس‌جمهور آمریکا «دکترین ترومن» را اعلام کرد؛ سیاستی که هدف آن حمایت اقتصادی و نظامی از کشورهایی بود که در معرض تهدید کمونیسم قرار داشتند. این دکترین، پایه‌گذار استفاده از اقتصاد برای مهار شوروی و متحدانش شد. در همین راستا، طرح مارشال برای بازسازی اقتصادی اروپا و جلوگیری از نفوذ شوروی اجرا شد. هم‌زمان، آمریکا با ایجاد نهادهایی برای کنترل صادرات فناوری‌های حساس به بلوک شرق، نشان داد که اقتصاد می‌تواند به عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به نظم غربی و مهار رقبا به کار برود. در دهه‌های بعد، رؤسای جمهور آمریکا از آیزنهاور تا ریگان، این رویکرد را همچنان ادامه دادند. تحریم‌های تجاری علیه کوبا، کره شمالی و ویتنام شمالی، نمونه‌هایی از تلاش برای محروم‌سازی کشورها از مزایای اقتصاد جهانی بودند. چین نیز تا دهه ۱۹۷۰ عملا از نظام مالی غربی کنار گذاشته شده بود. در این دوران، اقتصاد به عنوان ابزاری مکمل در کنار قدرت نظامی عمل می‌کرد. اما هنوز به سطحی نرسیده بود که بتوان آن را «سلاحی مستقل» در سیاست خارجی دانست. پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده وارد مرحله‌ای شد که در آن امنیت ملی با اقتصاد جهانی گره خورد. دولت آمریکا با بهره‌گیری از زیرساخت‌های مالی جهانی، از جمله شبکه سوئیفت، تسلط بر دلار، و نفوذ در شرکت‌های فناوری، توانست کشورهایی مانند ایران، روسیه و چین را بدون نیاز به جنگ یا تحریم‌های سنتی تحت فشار قرار دهد. نکته قابل توجه این است که بسیاری از این تحریم‌ها به صورت اقدام‌های یک‌جانبه از سوی آمریکا و بدون موافقت سازمان ملل یا اجماع نهادهای بین‌المللی اعمال شدند. این رویکرد، ضمن افزایش قدرت مانور واشنگتن، موجب اعتراض برخی کشورها و نهادهای حقوقی شد که آن را ناقض اصول چندجانبه‌گرایی و حقوق بین‌الملل می‌دانند. در این دوره، داده‌ها و فناوری‌های نوین به ستون فقرات این رویکرد تبدیل شدند. آمریکا و دولت‌های غربی با استفاده از اطلاعات مالی، تراکنش‌های دیجیتال و کنترل زیرساخت‌های ارتباطی، توانستند رفتار کشورها، شرکت‌ها و حتی افراد را کنترل و هدف‌گیری کنند. در دهه‌های اخیر، ایالات متحده با بهره‌گیری از موقعیت ممتاز خود در اقتصاد جهانی، نوعی شبکه پنهان و پیچیده از زیرساخت‌های مالی، فناورانه و اطلاعاتی ایجاد کرده است که به آن می‌توان عنوان «امپراتوری زیرزمینی» داد. این شبکه، متشکل از ابزارهایی مانند سوئیفت، دلار، شرکت‌های فناوری و داده‌های دیجیتال است که به آمریکا امکان می‌دهد بدون استفاده از نیروی نظامی، کشورها، شرکت‌ها و حتی افراد را هدف تحریم، محدودیت یا نظارت قرار دهد. این ساختار، برخلاف نهادهای رسمی بین‌المللی، فاقد شفافیت، پاسخ‌گویی و نظارت جهانی است. به همین دلیل، آن را «زیرزمینی» می‌نامند: قدرتی که در لایه‌های پنهان اقتصاد جهانی عمل می‌کند، اما تأثیر آن بسیار واقعی و گسترده است. یکی از نمونه‌های بارز این رویکرد، تحریم‌های هوشمند علیه ایران است. آمریکا با فشار بر بانک‌های اروپایی و جهانی، همچنین محروم‌سازی ایران از سوئیفت، حتی بدون اجماع کامل بین‌المللی توانست تهران را از چرخه مالی جهانی خارج کند. این تحریم‌ها عمدتا به صورت اقدام‌های یک‌جانبه و خارج از چارچوب‌های سازمان ملل اعمال شدند. این نمونه نشان داد که قدرت اقتصادی آمریکا فراتر از مرزهای سیاسی عمل می‌کند و می‌تواند به‌تنهایی نظم مالی کشورها را مختل کند. اما هم‌زمان، این رویکرد موجب اعتراض‌های گسترده در مجامع حقوق بشری و اقتصادی شد که آن را ناقض اصول عدالت اقتصادی و حقوق انسانی می‌دانند. با مرور تاریخی و تحولات معاصر، می‌توان گفت استفاده از اقتصاد به عنوان ابزار فشار به شکل جدید، از دوران ترومن رسما آغاز شد و در قرن ۲۱ به سطحی بی‌سابقه گسترش یافته است. این رویکرد اکنون به دکترین امنیت اقتصادی تبدیل شده است؛ دکترینی که در آن، دلار، داده‌ها و فناوری‌های نوین جای گلوله و تانک را گرفته‌اند. در این چارچوب، اقتصاد می‌تواند به عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به نظم غربی، اعمال فشار بر رقبا و دشمنان و حتی مجازات آنها در صورت تخطی از قواعد بین‌المللی به کار رود. اما این رویکرد، با یک تناقض بنیادین مواجه است: استفاده از اقتصاد به عنوان سلاح، در تضاد با اصول بنیادین اقتصاد آزاد و لیبرالیسم اقتصادی قرار دارد. در نظریه‌های کلاسیک لیبرالی، بازار جهانی باید بر پایه رقابت آزاد و تجارت بدون تبعیض، نه مداخله سیاسی، امنیتی و افزایش تعرفه‌ها عمل کند. از سوی دیگر، تحریم‌های گسترده اقتصادی که گاه به صورت فراگیر و یک‌جانبه علیه یک کشور اعمال می‌شوند، می‌توانند پیامدهایی غیرانسانی داشته باشند. در مواردی مانند عراق، ایران یا ونزوئلا، تحریم‌ها منجر به کاهش دسترسی مردم به دارو، غذا، خدمات درمانی و منابع حیاتی شده‌اند. این وضعیت، از منظر حقوق بین‌الملل، با اصول منع مجازات جمعی و حفظ کرامت انسانی در تضاد است. در نهایت، اقتصاد به عنوان سلاح، اگرچه ابزاری مؤثر در سیاست خارجی است، اما استفاده از آن باید با شفافیت، پاسخ‌گویی و احترام به حقوق انسان‌ها همراه باشد. در غیر این صورت، این امپراتوری پنهان، به‌جای حفظ نظم جهانی، خود به تهدیدی برای آن تبدیل خواهد شد. در این میان، ایران برای مقابله با این فشارها و کاهش صدمات ناشی از تحریم‌های یک‌جانبه و سازوکارهای پنهان اقتصاد جهانی تحت نفوذ آمریکا، موسوم به اقتصاد زیرزمینی، باید تلاش کند از اقتصاد تحریمی خارج شود. این مهم از طریق افزایش شفافیت و اصلاحات داخلی، جلوگیری از فساد، بهبود حکمرانی اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی و گفت‌وگو با رقبا و دشمنان امکان‌پذیر است. همچنین ایران باید با دیپلماسی چندلایه و چندجانبه، افزایش همکاری‌های اقتصادی دوجانبه، چندجانبه و منطقه‌ای و حضور فعال در نهادهای بین‌المللی، مسیرهای جدیدی برای تعامل اقتصادی با جهان ایجاد کند. در کنار این اقدامات، کاهش سطح خصومت با همسایگان و غرب و تلاش برای حل‌وفصل اختلافات از طریق گفت‌وگو براساس منافع ملی، اعتمادسازی و تعامل سازنده با کشورهای جهان می‌تواند زمینه‌ساز کاهش فشارهای اقتصادی و بازگشت تدریجی به تعاملات متوازن جهانی باشد. چنین رویکردی نه‌تنها از فشار و شدت تحریم‌ها می‌کاهد، بلکه می‌تواند فرصت‌هایی برای توسعه و پیشرفت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران فراهم کند. در مجموع، مقابله با اقتصاد تحریمی نیازمند ترکیبی از مقاومت هوشمند، دیپلماسی چندلایه، اصلاحات ساختاری، تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های مستقل مالی و فناورانه و کاهش تنش‌های سیاسی با بازیگران منطقه‌ای و جهانی است. فقط با چنین رویکردی می‌توان از تهدیدها، فرصتی برای بازتعریف وضعیت اقتصادی و تقویت جایگاه ملی ایران در جهان ساخت. در نهایت، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، درک دقیق جایگاه ایران در این منازعه پیچیده و چندلایه است؛ نبردی که در آن، میدان جنگ نه خاک و سلاح، بلکه داده، دلار و دیپلماسی است. ایران، به عنوان یکی از اهداف اصلی این امپراتوری پنهان اقتصادی، ناگزیر است با نگاهی واقع‌گرایانه، راهبردی و آینده‌نگر، مسیر خود را بازتعریف کند. خروج از انزوای سیاسی و اقتصادی، کاهش تنش‌های بین‌المللی و بازسازی پیوندهای منطقه‌ای و جهانی، نه‌تنها سپری در برابر فشارهای اقتصادی خواهد بود، بلکه می‌تواند جایگاه ایران را از موضع انفعالی به کنشگری فعال در نظم نوین آتی ارتقا ببخشد.

«شرق» بین خطوط مجموعه‌ای از تحرکات دیپلماتیک میان ایران، سوریه و روسیه را واکاوی می‌کند

پل روسی از تهران تا شام

مهدی بازرگان: در هفته‌های اخیر بین خطوط مجموعه‌ای از تحرکات دیپلماتیک میان ایران، سوریه و روسیه این گزاره را تقویت کرده که شاید مسکو به دنبال پل‌زدن بین تهران و دمشق و احیای روابط دو کشور باشد. از یک سو الکساندر لاورنتیف، نماینده ویژه ولادیمیر پوتین در امور سوریه، روز دوشنبه ۲۸ مهر با عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، دیدار و گفت‌وگو کرد که این دیدار در چارچوب رایزنی‌های مستمر میان تهران و مسکو و با هدف هماهنگی در موضوعات امنیتی و منطقه‌ای انجام شد؛ کمااینکه اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، در نشست خبری خود تصریح کرد: «تماس‌های ایران و روسیه به صورت مستمر و در چارچوب مشورت‌های منطقه‌ای و امنیتی ادامه دارد». او تأکید کرد: «گفت‌وگوها میان تهران و مسکو صرفا در چارچوب مشورت‌های منطقه‌ای است و لزوما به معنای نقش مستقیم روسیه در پرونده ایران و آمریکا نیست».

اما با وجود گفته‌های بقایی، در سوی دیگر این تحرکات و به شکل هم‌زمان شاهد سفر احمد الشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، به روسیه و دیدار او با ولادیمیر پوتین و همچنین سفر علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی ایران، به مسکو بودیم. احتمال احیای روابط ایران و سوریه آن زمان قوی می‌شود که احمد الشرع در دو مصاحبه جداگانه با شبکه «الاخباریه» و «العربیه» به روابط ایران و سوریه پرداخته بود و صراحتا اعلام کرد که قطع رابطه با ایران یک اقدام دائمی نیست و تلاش‌ها برای بازسازی روابط دوجانبه ادامه دارد.

او شهریورماه امسال در مصاحبه با الاخباریه صراحتا عنوان کرد: «ما قائل به قطع رابطه دائمی با ایران نیستیم و روابط گذشته قابل بازسازی است». رئیس‌جمهور موقت سوریه دی‌ماه سال گذشته هم در مصاحبه با العربیه اظهار کرد: «سوریه نمی‌تواند با یک کشور بزرگ منطقه مانند ایران قطع رابطه کند، اما روابط باید مبتنی بر اصول دیپلماتیک، احترام متقابل و مداخله‌نکردن در امور داخلی باشد». این اظهارات نشان می‌دهد که حتی در شرایط شکننده پس از دوران اسد، دمشق اهمیت روابط با تهران را به رسمیت می‌شناسد و به دنبال یافتن یک چارچوب جدید مبتنی بر احترام متقابل و حفظ منافع ملی دو کشور است.

گفتنی است روز سه‌شنبه هفته جاری هم الکساندر لاورنتیف، نماینده ویژه ولادیمیر پوتین در امور سوریه، با علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی و مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار نماینده ویژه روسیه آخرین وضعیت منطقه را تشریح و درباره همکاری‌های منطقه‌ای توضیحاتی ارائه کرد. هم‌زمان، سفر علی لاریجانی به روسیه، یک روز پس از سفر الشرع، نشان‌دهنده هماهنگی‌های امنیتی و دیپلماتیک میان ایران و مسکو است. این هم‌زمانی تحرکات دیپلماتیک می‌تواند نشانه‌ای از تلاش بازیگران منطقه‌ای برای ایجاد هم‌گرایی مجدد تهران و دمشق در شرایط پسااسد و در چارچوب مدیریت منطقه‌ای روسیه تلقی شود.

خطر شکنندگی معادلات سوریه و ضرورت هماهنگی ایران-دمشق

با وجود آنکه ۱۰ماه و نیم از سقوط حکومت اسد می‌گذرد و اولین انتخابات مجلس در دوره جدید در پنجم اکتبر (۱۳ مهر) برگزار شد، اما سوریه همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است. تجاوزات مکرر اسرائیل، تحریک برخی گروه‌های اقلیت مانند دروزی‌ها و ضعف ساختار سیاسی پسااسد، عملا شکنندگی معادلات در این کشور را افزایش داده است. در چنین شرایطی، احیای روابط تهران و دمشق می‌تواند نقش بازدارنده و تعادلی در مدیریت بحران‌ها ایفا کند.

اظهارات احمد الشرع مبنی بر لزوم بازسازی روابط با ایران نشان می‌دهد که دمشق خواهان ایجاد توازن در روابط خارجی و حفظ کانال‌های ارتباطی با تهران است. او در مصاحبه‌ها تأکید کرده که روابط با ایران باید مبتنی بر اصول دیپلماتیک، احترام متقابل و مداخله‌نکردن در امور داخلی باشد و درعین‌حال، نقش ایران در منطقه باید مثبت و قابل درک باشد. این پیام، اهمیت هماهنگی منطقه‌ای و دیپلماتیک را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که سوریه درصدد جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم و بحران‌های احتمالی است.

ضرورت یک انتخاب

در کنار آنچه گفته شد، دولت پزشکیان که با شعار تنش‌زدایی منطقه‌ای و بین‌المللی روی کار آمد، می‌تواند از این فرصت برای ایجاد ثبات بهره گیرد، هرچند تعیین مناسبات نهایی با سوریه فراتر از اختیارات دولت است، ولی باید در نظر داشت که با توجه به نشست شرم‌الشیخ و تحولات لبنان و عراق، اختلافات داخلی میان جمهوری اسلامی ایران و دولت الشرع نمی‌تواند مانع ضرورت بازگشت روابط استراتژیک شود.

در سایه تجربه احیای روابط ایران و عربستان سعودی از طریق نقش‌آفرینی چین می‌توان استناد کرد؛ روسیه نیز اکنون می‌تواند به عنوان میانجی و توازن‌گر میان تهران و دمشق عمل کند. دیدار لاورنتیف با عباس عراقچی و علی لاریجانی و سفر دبیر شعام به مسکو، در کنار سفر الشرع به پوتین، نشانه اهتمام مسکو برای مدیریت یک توازن دیپلماتیک است تا نه ایران و نه دمشق به‌تنهایی در تصمیم‌گیری‌ها سلطه نداشته باشند. درعین‌حال، این هماهنگی‌ها می‌تواند از تشدید تنش‌های اسرائیل و فشارهای منطقه‌ای جلوگیری کند.

تحولات اخیر نشان می‌دهد که احیای روابط ایران و سوریه می‌تواند برای تهران و دمشق دستاوردهای راهبردی مهمی داشته باشد. از منظر ایران، سوریه می‌تواند نقش بازدارنده در برابر فشارهای اسرائیل و غرب ایفا کند. از سوی دیگر، سوریه در مرحله بازسازی پس از جنگ، به حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیاز دارد که ایران می‌تواند با توجه به سابقه حضور خود در این کشور و تمام توافقات تجاری بر زمین مانده از دولت بشار اسد دوباره در این کشور نقش‌آفرینی کند.

> **محبعلی: «لزوم چنین سیاست خارجی منعطف و پراگماتیکی در شرایط کنونی احساس می‌شود، چراکه حضور ایران دیگر محدود به حمایت از اقلیت‌های شیعه یا علوی، کردها و... نیست، بلکه هدف اصلی‌تر می‌تواند در قالب کمک به دولت احمد الشرع در احیای تمامیت ارضی سوریه و مبارزه با رفع اشغال اسرائیل تعریف شود»**

احیای روابط ایران و سوریه و نگرانی غربی و عربی

با وجود نکات یادشده، نزدیکی بیش از حد دمشق به ایران ممکن است واکنش‌های منفی غرب و رژیم اسرائیل را به دنبال داشته باشد. همچنین معادلات ترکیه و کشورهای عربی منطقه هم بسیار اثرگذار است. ضمن آنکه، اظهارات الشرع مبنی بر ضرورت رعایت اصول دیپلماتیک و احترام متقابل، نشان می‌دهد که دمشق نیز نگران حفظ تعادل در روابط خارجی است تا تنش‌های منطقه‌ای افزایش نیابد.

به طور کلی، روند هم‌گرایی مجدد تهران و دمشق در چارچوب همکاری با روسیه، می‌تواند ثبات نسبی در سوریه ایجاد کرده و فرصت راهبردی برای ایران فراهم آورد تا با تقویت کانال‌های دیپلماتیک و هماهنگی‌های امنیتی، فشارهای منطقه‌ای را مدیریت و از تنش‌های بیشتر جلوگیری کند. همچنین، با توجه به تحولات داخلی و فشارهای خارجی، مدیریت دقیق این روابط، ضمن حفظ منافع ملی ایران، می‌تواند به بازسازی شبکه امنیتی و سیاسی در غرب آسیا کمک و نقش کلیدی در توازن قدرت منطقه‌ای ایفا کند. به نظر می‌رسد که با توجه به تحولات اخیر، روسیه قصد دارد از موقعیت خود برای ایجاد توازن میان ایران و سوریه استفاده و از تشدید بحران‌های احتمالی جلوگیری کند. این سیاست متوازن، مشابه تجربه چین در احیای روابط ایران و عربستان، می‌تواند در آینده نزدیک به یک مدل موفق برای مدیریت منطقه‌ای تبدیل شود و فرصت‌های همکاری سیاسی، امنیتی و اقتصادی جدیدی را برای تهران و دمشق فراهم آورد.

قاسم محبعلی: احیای روابط ایران و سوریه در گرو چراغ سبز برخی کشورهاست

در تحلیل آنچه گفته شد، قاسم محبعلی در گفت‌وگوی خود با «شرق»، نگاه و تحلیل محتاطانه‌ای دارد و یادآور شد: «رفت‌وآمد مقامات روسی و ایرانی را باید متمایز از سفر مقامات سوریه به مسکو دید». به باور مدیرکل اسبق خاورمیانه عربی و شمال آفریقا در وزارت امور خارجه: «فعلا فضایی برای احیای روابط ایران و سوریه وجود ندارد».

از منظر تحلیلگر ارشد مسائل غرب آسیا: «سوریه ساختار اقتصادی و نظامی خود را عمدتا بر پایه سلاح‌های روسی بنا کرده و پایگاه‌های روسیه در این کشور همچنان نقش کلیدی در امنیت منطقه ایفا می‌کنند». درعین‌حال، محبعلی به مشکلات سوریه با اسرائیل اشاره کرد و گفت: «فشارهای اسرائیل و حمایت آمریکا از برخی مناطق، نیاز به توازن و حضور بازیگر ثالثی مانند روسیه را آشکار می‌کند تا بتواند قدرت را متعادل نگه دارد». بنابراین سفیر اسبق کشورمان در یونان تصریح کرد: «اگرچه ایران، با توجه به سابقه حضور نظامی و مالی خود در دوره حاکمیت علوی‌ها، می‌تواند به عنوان عامل تعادل و تقویت دولت جولانی در مقابل تهدیدات اسرائیل عمل کند، اما دمشق هنوز علاقه خود را به همکاری کامل با ایران به صورت عملی نشان نداده است».

سفیر پیشین ایران در مالزی به پیچیدگی‌های تاریخی و سیاسی سوریه اشاره کرد و توضیح داد: «حکومت فعلی سوریه که به جریان اخوانی گرایش دارد، با حمایت ترکیه و قطر به قدرت رسیده و از این منظر استقلال تصمیم‌گیری‌اش محدود است؛ کمااینکه دیگر کشورهای عربی و آمریکا و اروپا نیز در چرخش‌های سیاسی و دیپلماتیک دولت احمد الشرع به‌ویژه هم‌گرایی و احیای روابط با تهران نقش‌آفرین و درعین‌حال حساس هستند». ازاین‌رو محبعلی تأکید کرد: «ایران باید با انعطاف و واقع‌بینی، شرایط فعلی منطقه را در نظر گرفته و سیاستی متناسب با معادلات جدید اتخاذ کند، همان‌طور که روسیه پیش از این در سوریه عمل کرده است و درعین‌حال که بشار اسد را در خاک خود پناه داده با دولت احمد الشرع هم وارد همکاری می‌شود». با چنین برداشتی، کارشناس مسائل خاورمیانه و جهان عرب اضافه کرد: «لزوم چنین سیاست خارجی منعطف و پراگماتیکی در شرایط کنونی احساس می‌شود، چراکه حضور ایران دیگر محدود به حمایت از اقلیت‌های شیعه یا علوی، کردها و... نیست، بلکه هدف اصلی‌تر می‌تواند در قالب کمک به دولت احمد الشرع در احیای تمامیت ارضی سوریه و مبارزه با رفع اشغال اسرائیل تعریف شود».

محبعلی با اشاره به تحولات اخیر منطقه افزود: «احتمال جنگ مستقیم سوریه، لبنان یا فلسطین با اسرائیل بعد از معادلات شرم‌الشیخ بعید است و دولت‌ها در جهان عرب به دنبال صلح و عادی‌سازی روابط هستند، در نتیجه ایران نیز باید شرایط را به نحوی مدیریت کند که روابط استراتژیک با دمشق بازگردد». مدیر کل سابق خاورمیانه عربی و شمال آفریقا در وزارت امور خارجه از منظر اقتصادی و تجاری هم به ضرورت احیای روابط ایران و سوریه هم ورود و خاطرنشان کرد: «ایران طی ۱۰ سال گذشته بیش از ۵۰ میلیارد دلار کمک و سرمایه‌گذاری در سوریه انجام داده و این موضوع اهمیت بازگشت روابط عادی و روشن‌شدن سرنوشت این منابع را دوچندان می‌کند». سفیر اسبق ایران در یونان یادآور شد که احیای روابط ایران و سوریه، «به شرط رعایت منافع متقابل و احترام به حاکمیت ملی، می‌تواند به نفع هر دو کشور و تقویت ثبات در خاورمیانه عربی باشد، اما نیازمند مدیریت دقیق، واقع‌بینی و بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماتیک موجود است. ولی در کل احیای روابط ایران و سوریه در گرو چراغ سبز برخی کشورهاست».

> **پاک‌آیین: «دولت ایران، به‌ویژه دولت فعلی به ریاست دکتر پزشکیان، از اراده لازم برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای برخوردار است و احیای مناسبات با سوریه می‌تواند بخشی از راهبرد کلان جمهوری اسلامی در غرب آسیا باشد»**

محسن پاک‌آیین: دولت پزشکیان، از اراده لازم برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و احیای روابط با سوریه برخوردار است

در تحلیل آنچه گفته شد، محسن پاک‌آیین هم در گفت‌وگویی تحلیلی با «شرق» به نقش مسکو در معادلات تهران و دمشق باور دارد: «همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه سیاسی و امنیتی، به‌ویژه در غرب آسیا، واجد اهمیت راهبردی است و در این بین، قطعا سوریه از دیرباز یکی از محورهای گفت‌وگو میان تهران و مسکو بوده و هر دو کشور، چه در دوران حافظ اسد و چه در دوره بشار اسد، روابط فعالی با دمشق داشته‌اند». بنابراین از دید سفیر اسبق ایران در آذربایجان: «طبیعی است در رایزنی و رفت و آمد مقامات ایران و روسیه به مسئله سوریه و حتی احیای روابط تهران و دمشق پرداخته شود». اما به باور این دیپلمات اسبق کشورمان: «این رایزنی‌ها لزوما به معنای مهیابودن شرایط نیست. چون اگرچه شاید تمایل برای احیای روابط وجود داشته باشد، اما تا زمان اجراشدن آن فاصله زیادی وجود دارد». البته پاک‌آیین تصریح می‌کند: «با وجود برخی فاصله‌های سیاسی اخیر، نفوذ ایران در منطقه غیرقابل انکار است و هیچ کشوری در غرب آسیا نمی‌تواند نقش جمهوری اسلامی را نادیده بگیرد».

سفیر اسبق کشورمان در ازبکستان توضیح می‌دهد: «حاکمیت فعلی سوریه گرچه در برخی موارد رویکردی محتاطانه در قبال تهران داشته، اما باب گفت‌وگو و مذاکره همچنان باز است و دو کشور منافع مشترک روشنی دارند». از دیدگاه او: «یکی از این منافع مشترک، مقابله با خطر توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی است؛ خطری که نه‌تنها ایران و سوریه، بلکه بسیاری از کشورهای عربی و حتی دولت‌های حوزه خلیج فارس را نیز تهدید می‌کند». پاک‌آیین به «شرق» می‌گوید: «اسرائیل در پی تحقق رؤیای «اسرائیل بزرگ‌تر» است؛ مفهومی که به معنای نفوذ و اشغال بخش‌هایی از سوریه، اردن، مصر، لبنان و حتی بخش‌هایی از کشورهای عربی خلیج فارس است. در چنین شرایطی، طبیعی است که تهران و دمشق در مسیر گفت‌وگو و همکاری گام بردارند و روسیه نیز به عنوان بازیگر مؤثر در سوریه، نقش میانجی و تسهیل‌گر را ایفا کند».

سفیر اسبق ایران در تایلند در ادامه با اذعان به نگرانی برخی کشورها مانند ترکیه، عربستان و آمریکا از نزدیکی دوباره ایران و سوریه این موضوع را مطرح می‌کند: «ترکیه و عربستان، گرچه نفوذهایی در مناطق مختلف سوریه دارند، اما خود نیز از توسعه‌طلبی صهیونیسم و اقدامات تجاوزکارانه تل‌آویو در کشورهای اسلامی، از جمله قطر، ایران و لبنان، نگران‌اند». ازاین‌رو به گفته پاک‌آیین: «همین نگرانی می‌تواند به بستری برای همکاری‌های جدید میان ایران، ترکیه و عربستان در سطح منطقه‌ای و احیای روابط با سوریه تبدیل شود».

تحلیلگر حوزه بین‌الملل در تحلیل خود تصریح می‌کند: «برخلاف برخی تصورات، حضور کشورهای عربی در سازوکارهایی مانند نشست‌های منطقه‌ای شرم‌الشیخ، الزاما به معنای نزدیکی آنان به تل‌آویو نیست». او یادآور می‌شود: «امروز شکاف عمیقی میان ایالات متحده و کشورهای عربی به وجود آمده که ریشه در سیاست‌های رژیم صهیونیستی دارد و همین شکاف زمینه‌ای برای هم‌گرایی مجدد میان کشورهای اسلامی فراهم کرده است».

دیپلمات پیشین با اشاره به تجربه «میانجیگری چین در احیای روابط تهران و ریاض، احتمال نقش‌آفرینی مشابه روسیه را در پرونده ایران و سوریه دور از ذهن» نمی‌داند. او بر این باور است: «تحولات پیش‌رو نه به صورت ناگهانی، بلکه تدریجی پیش خواهد رفت و دو کشور با درک تهدیدهای مشترک و منافع همسو، به سمت مدیریت اختلافات حرکت خواهند کرد».

پاک‌آیین در پایان خاطرنشان می‌کند: «دولت ایران، به‌ویژه دولت فعلی به ریاست دکتر پزشکیان، از اراده لازم برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای برخوردار است و احیای مناسبات با سوریه می‌تواند بخشی از راهبرد کلان جمهوری اسلامی در غرب آسیا باشد». از نگاه این سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان: «سوریه کشوری مهم در جهان اسلام است که بازگشت آن به مدار همکاری با تهران، نه‌تنها موازنه قدرت در منطقه را تغییر خواهد داد، بلکه پاسخی است به تهدیدهای فزاینده اسرائیل در جغرافیای سیاسی خاورمیانه».

خبر

عراقچی: مرزی که از آن کالا و مسافر رد شود، تروریست رد نمی‌شود

وزیر امور خارجه با تأکید بر اینکه هر کالای ما باید دیپلماسی خود را داشته باشد، افزود: استان‌هایی که تولیدکننده محصولات هستند، باید دیپلماسی مخصوص کالای خود را طراحی و پیوست رسانه‌ای و گردشگری برای آن تدوین کنند.

سیدعباس عراقچی در دومین نشست منطقه‌ای دیپلماسی استانی که در سالن همایش‌های آستان قدس برگزار شد، اظهار کرد: این همایش در «زعفرانی‌ترین زمان و مکان» برگزار می‌شود. این دومین همایش دیپلماسی استانی است و در راستای یک سیاست جدید طراحی‌شده در وزارت امور خارجه است. اعتقاد دارم استان‌های ما ظرفیت‌هایی دارند که می‌توانند به سیاست خارجه کمک کنند.

او افزود: سیاست خارجه یک امر حاکمیتی است و اصول و نحوه اجرای آن در مرکز تعیین می‌شود و همه موظف به اجرای آن هستیم، اما سیاست خارجی بازوهای مختلفی دارد که باید این اصول را اجرا کنند و معتقدیم استان‌های ما با ظرفیت خود می‌توانند بازوان مؤثری در مناطق همجوار خود باشند. وزیر امور خارجه با بیان اینکه بسیاری از مشکلات ما با کشورهای همسایه از طریق ظرفیت استانی قابل حل است، اضافه کرد: قاچاق کالا و بسیاری مسائل دیگر مانند تردد مسافر، توسط استان‌ها بهتر نظارت می‌شود. مرزی که از آن کالا و مسافر رد شود، تروریست رد نمی‌شود. باید مرز را با تعاملات مختلف درگیر کنیم؛ در این صورت مرزهای ما امن خواهد شد. عراقچی با اشاره به اینکه نخستین همایش دیپلماسی استانی در شیراز برگزار شد و در جنوب غربی کشور بود، گفت: سفرای ما در آن همایش شرکت کردند، چند روز بعد از همایش شیراز، رهبری در دیدار با استانداران به اهمیت دیپلماسی استانی اشاره کردند. رئیس‌جمهوری نیز در ادامه بحث تفویض اختیار به استان‌ها را مطرح و از دیپلماسی استانی حمایت کرد. او خاطرنشان کرد: ظرفیت‌های متعددی در استان‌ها وجود دارد؛ نخستین ظرفیت، شناخت استان‌ها نسبت به کشورهای همجوار و بعد نسبت به کشورهای دیگر است. در گذشته به یاد دارم یک شرکت ژاپنی دنبال بازاریابی زعفران بود که دانشگاه فردوسی به آن کمک می‌کرد و همایش‌هایی برگزار کردند. دانشگاه مشهد اکنون تقریبا به مرکز زعفران‌شناسی تبدیل شده و باید نقش مهمی را در کشورهای دیگر ایفا کند. وزیر امور خارجه با بیان اینکه کالاهای ما باید به‌درستی عرضه شود، افزود: هر کالای ما باید دیپلماسی خود را داشته باشد. استان‌هایی که تولیدکننده محصولات هستند، باید دیپلماسی مخصوص کالای خود را طراحی کرده و پیوست رسانه‌ای و گردشگری برای آن تدوین کنند. ما نیز در خدمت آنان هستیم. ظرفیت‌های گسترده در دیپلماسی استانی است و اگر استان‌های ما در این زمینه فعال شوند برای کل کشور می‌توانند برکاتی را داشته باشند. عراقچی اضافه کرد: سیاست همسایگی اولویت سیاست خارجی ماست. در این اولویت بدون هیچ شعاری می‌گوییم که استان‌های ما می‌توانند نقش ایفا کنند. باید روی کشورهای همسایه سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهیم. در وزارت امور خارجه در خدمت شما هستیم. اگر در راستای دیپلماسی استانی، استانداران معاون بین‌الملل داشته باشند، بسیار مثبت است.

حاجی‌بابایی در دیدار نایب‌رئیس شورای فدراسیون روسیه تأکید کرد: توسعه روابط تهران و مسکو با توافق جامع راهبردی

نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه متأسفانه جنگ علیه چندجانبه‌گرایی در دنیا وجود دارد، گفت: توافق جامع راهبردی بین ایران و روسیه در مجلس مصوب شده که اتفاق خوبی است و می‌تواند به توسعه روابط کمک بزرگی کند. به گزارش ایسنا، حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، در حاشیه صد و پنجاه و یکمین نشست مجمع اتحادیه بین‌المجالس جهانی (IPU) در ژنو با ولادیمیر یاکوشف، نایب‌رئیس شورای فدراسیون روسیه، دیدار و گفت‌وگو کرد. حاجی‌بابایی با بیان اینکه اتفاقات مهمی در دنیا رخ داده است، گفت: به ایران می‌گفتند حل مسائل از طریق مذاکره خوب است، اما در حین مذاکره به ایران حمله نظامی شد.